

بسمه تعالی

ارزیابی میزان بلوغ رویکردهای تحلیلی (Analytics) و هوشمندی کسب و کار در سازمان ها

سازمانها در حوزه تحلیل داده ها و اطلاعات مرتبط به خود، همواره با چالش ها و دشواریهای فراوانی روبرو هستند و پس از گذشت مدت بسیار در یک سطح پایداری از تحلیل گری، ثبات پیدا می کنند. برای آغاز دوباره پروژه های هوشمندی کسب و کار و ترسیم نتایج استفاده از هوشمندی کسب و کار در سازمان، میزان بلوغ تحلیلی سازمانها (میزان بلوغ راهکار هوشمندی کسب و کار) یک مورد بسیار مهم و اساسی می باشد.

سازمانهای از نظر بلوغ استفاده از رویکردهای تحلیلی (بلوغ هوشمندی کسب و کار) به پنج مرحله زیر تقسیم می شوند:

- **مرحله عدم آگاهی:** سازمان فاقد یک یا چند پیش نیاز رویکرد تحلیلی جدی، مانند وجود داده، وجود مهارت های تحلیلی و یا عدم وجود علاقه مدیریت ارشد می باشد.
- **مرحله رویکرد تحلیلی موضعی:** بخش هایی از رویکردهای تحلیلی در سازمان وجود دارد اما آنها با مقاصد عملیاتی راهبردی هماهنگ نشده اند یا بر آنها تمرکز نشده است.
- **مرحله اشتیاق تحلیلی:** سازمان قابلیت های رویکردهای تحلیلی را ایجاد کرده است و چندین اقدام آغازین چشمگیر در حال اجرا دارد. اما پیشرفت کند است. اغلب به این دلیل که برخی عوامل رویکردهای تحلیلی با دشواری بسیار زیاد مواجه هستند.
- **مرحله سازمان تحلیل:** سازمان منابع انسانی و فناوری مورد نیاز را دارد. رویکردهای تحلیلی را مرتب به کار می گیرد و مزایای آن را در سازمان را تشخیص می دهد. اما تمرکز راهبردی آن به رویکردهای تحلیلی متصل نشده و رویکردهای تحلیلی را به مزیت رقابتی تبدیل نکرده است.
- **مرحله رقابت های تحلیلی:** سازمان به طور منظم از رویکردهای تحلیلی بعنوان قابلیت متمایز کسب و کارها استفاده می کند. سازمان به پاسخ گویی به نتایج تحلیل ها، متعهد شده و رهبری را درگیر در این موضوع کرده است.

می توان با ارزیابی میزان بلوغ رویکردهای تحلیلی در سازمانها، نقشه راه مناسبی برای استقرار BI ترسیم نمود.

ارزیابی میزان آمادگی سازمان برای استقرار راهکار هوشمندی کسب و کار

در یک نگاه کلان، می توان چالش های اصلی موفقیت راهکارهای هوشمندی کسب و کار در سازمانها را به چالش های کاربری، چالش های کاربران و چالش های داده ها و منابع اطلاعاتی تقسیم نمود. سنجش و ارزیابی آمادگی سازمان برای استقرار



BI و Analytics

BI نه تنها برخی از این مشکلات را کاهش میدهد بلکه ساده کردن تناسب معنی دار و با اهمیت ارزش منابع و کاهش زمان پیاده سازی را به ارمغان می آورد.

در این راستا می توان مسائل قابل بررسی در سازمان ها را در مسائل زیر جستجو نمود:

- "چه اطلاعاتی مورد نیاز است؟" "صف بندی و تنظیم داده ها"
- "این اطلاعات باید چگونه بازیابی شوند؟" "فرآیند های گزارش گیری و قالب دهی"
- "چه کسانی باید به چه اطلاعاتی دسترسی داشته باشند؟" "شخصی سازی امنیت اطلاعات"
- "چگونه کاربران سازمان باید آماده استفاده از ابزارهای جدید شوند؟" "آمادگی کاربران"

بنابراین می توان ارزیابی آمادگی سازمان برای استقرار هوشمندی کسب و کار را در ۴ موضوع زیر پیگیری نمود:

آمادگی داده ها

- اطلاعات خروجی مورد نیاز
- وجود معیارها و استانداردهای دسترسی به اطلاعات
- آمادگی کارمندان

می توان انتظار داشت که در صورت ارزیابی صحیح میزان آمادگی سازمان برای استقرار راهکار هوشمندی کسب و کار، به یک نگاه و دیدگاه بدون تعصب از نیازهای گزارش گیری و تحلیلی سازمان در رابطه با کاربران مرتبط، دست یافت.